رئیس واحد تهران شرق در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

ایده تبدیل دانشگاه به قطب صنعت

ابوالفضل مظاهری- سارا طاهری
گروه دانشگاه

۱۸ کیلومتری شرق تهران، شهرک قیامدشت میزبان یکی از واحدهای بزرگ دانشگاه آزاد است که از سال ۱۳۸۰ فعالیتش را با جذب ۴۰۰ دانشجو آغاز کرد و حالا در مساحتی به وسعت ۵۳ هزار مترمربع میزبان علاقه‌مندان علم و فناوری است و پتانسیل‌های مختلف کارگاهی و آزمایشگاهی را در دل خود جای داده است.

سیدعلی موسوی‌اصل اواسط مهرماه سال گذشته به عنوان سرپرست واحد تهران شرق کار خود را آغاز کرد تا اولین عضو هیات علمی این واحد دانشگاهی باشد که مسئولیت اداره واحد را برعهده گرفته است. این استاد گروه معارف اسلامی پیش‌تر هم مسئولیت معاونت فرهنگی واحد را در کارنامه خود دارد. او چندی پیش با حضور در تحریریه روزنامه «فرهیختگان» روایتی از حدود ۱۱ ماه فعالیت خود در این واحد دانشگاهی ارائه داده که خواندن آن خالی از لطف نیست.

در آغاز سال تحصیلی جدید هستیم. واحد تهران شرق چه تغییرات از حیث آموزشی داشته و چه تغییرات رشته‌ای در این واحد ایجاد شده است؟

درخصوص رشته‌ها تلاش زیادی کرده‌ایم که مقاطع تحصیل مختلف و همین‌طور رشته‌های جدید را بیاوریم. با توجه به اینکه طی سال‌های گذشته تلاش زیادی برای آوردن رشته‌های جدید برای واحد تهران شرق نشده، ما با تلاشی که کردیم، موفق شدیم فعلا هشت عنوان رشته تفاهمی یعنی محل تشکیل کلاس را به سایر رشته‌ها اضافه کنیم، البته امیدواریم مقاطع تحصیلات تکمیلی تازه و رشته‌های جدید را نیز اضافه کنیم. ما به شدت از فقر کمیت و کیفیت یعنی تعداد و تنوع رشته رنج می‌بریم، یعنی با اینکه واحد ویژه‌ای در کشور هستیم، حدودا ۴۰ عنوان رشته کاردانی و کارشناسی و یکی، دو عنوان رشته دکتری و پنج، شش عنوان کارشناسی ارشد داریم و این برای یک واحد ویژه مصیبت تلقی می‌شود. سابق بر این، همت و تلاش کافی برای آوردن رشته نبود. ما این کار را شروع کردیم اما می‌دانید که صرفا دست دانشگاه نیست و نیاز به همراهی وزارت علوم است. امیدوارم برای سال تحصیلی بعد موفق باشیم.

واحد تهران شرق در حوزه کشاورزی هم فعال است و اخیرا طرح‌های کشاورزی را به اجرا درآورده است. رشته‌های کشاورزی در واحد شما فعال هستند؟

رشته کشاورزی نداریم، منتها ۵۷ هکتار زمین داریم که بخش عمده‌ای از آن بایر است. طبیعتا مسئولی از دانشگاه اولین نگرانی و دغدغه‌اش این است که بتواند پتانسیل‌های دانشگاه را راه بیندازد. در این ۱۰ ماهی که مسئولیت دانشگاه را برعهده گرفتم، یکی از دغدغه‌های من همین بود که بتوانم این زمین‌های بایر را احیا کنم. ما با آزمایش‌های آب و خاکی که انجام دادیم و شوری خاک، دمای هوا و کمی آب و شرایط مختلف اقلیمی را سنجیدیم، متوجه شدیم یک گیاه با ارزش افزوده خوب می‌توانیم داشته باشیم و آن هم گیاه پسته است. حدود چهارهزار درخت پسته را کاشته‌ایم و از این تعداد تلفات زیادی نداشته‌ایم، یعنی حدود ۲۰ درخت بوده که نگرفته و این شبیه معجزه است. با این اتفاقی که افتاده، ما می‌توانیم این نوید را بدهیم که شرق تهران به‌لحاظ آب و خاک می‌تواند پایتخت پسته نیمه‌شمالی ایران باشد. ما این امکان را داریم. این گیاه آب کمی نیاز دارد.

گفتید رشته کشاورزی ندارید اما چنین طرحی را آغاز کرده‌اید. دانشگاه آزاد اسلامی در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به پتانسیل‌های واحدها درکنار مزیت‌های منطقه‌ای داشته است. البته در فضای واحد شما اصلا رشته کشاورزی وجود نداشته و شما یک طرح بزرگ و خاص را در حوزه کشاورزی دارید. چقدر از توان واحدهای دیگر در این حوزه کمک گرفته‌اید؟ نحوه پیاده‌سازی چگونه بوده است؟

البته این مساله مظلومیت ما را در کمبود تعداد و تنوع رشته‌ها در این واحد می‌رساند. این واحد دانشگاهی امکانات متعددی دارد که قابلیت تبدیل‌شدن به قطب صنعتی و کشاورزی در استان تهران را دارد اما رشته‌های ما به‌شدت کم هستند. ما نمی‌توانستیم چون رشته کشاورزی را نداریم، چشم‌مان را روی امکانات و پتانسیل‌هایمان ببندیم. من وقتی می‌بینم فعلا امکان اتفاق صنعتی و فناورانه روی این زمین وجود ندارد و بهترین کار انجام یک کار کشاورزی با ارزش افزوده بالا مانند پسته است، نمی‌توانم منتظر باشم یا بهانه درست کنم، چون رشته‌اش را ندارم، پیگیری هم نمی‌کنم.

وقتی شما می‌گویید رشته‌اش را ندارم، این سوال پیش می‌آید که فهم تخصصی برای شناخت پتانسیل این کار از کجا آمده است؟

ما به این منظور از پتانسیل واحد ورامین استفاده زیادی کردیم و من از دکتر پهلوان، رئیس واحد ورامین تشکر می‌کنم. در آزمایش آب و خاک از مجموعه اساتیدی که در استان تهران بودند، خاصه واحد ورامین استفاده شد که رشته کشاورزی دارند. ما حتی آزمایش را به واحدهایی در سراسر کشور مثلا واحد رفسنجان یا دامغان فرستادیم، یعنی ریسک نکردیم که بخواهیم پروژه‌ای را شروع کنیم که زمین بخورد. هموار کردن این زمین‌های بایر با آن همه پستی و بلندی و چاله‌کنی، لوله‌گذاری و خرید لوله‌های خرد و کلان و پمپ آب و آبیاری قطره‌ای با شهرداری منطقه بود که نزدیک یک میلیارد تومان هزینه کرد. واحد تهران شرق فقط ۳۰ میلیون تومان هزینه نهال‌ها را داده است. بعد از اینکه درختان رشد کردند، اگر زمین‌ها n تومان قیمت داشت، قطعا ارزش افزوده قابل توجهی پیدا می‌کرد. ضمن اینکه ما یک مجموعه ذخیره آب داشتیم و فضای آن هم بسیار قابل توجه بود، یعنی چهارونیم متر عمق داشت و ۲۰ در ۱۲ متر که حجم بسیار وسیعی حدود هزار مترمکعب بود. از این هم نمی‌شد چشم‌پوشی کرد، یعنی بگویم چون رشته شیلات ندارم، این استخر را که ۲۰ سال آنجا افتاده بود، همان‌طور رها کنم؛ البته مطالعات آب انجام دادیم. یعنی دمای آب، شوری آن مورد مطالعات زیادی قرار گرفت، ازجمله دکتر موسوی، معاون پژوهشی واحد ورامین که خودشان سابقه این کار را داشتند، به ما کمک کردند و با حدود نزدیک دو تا سه میلیون تومان از امکانات موجود دانشگاه استفاده کردیم و الان ۱۷ هزار قطعه ماهی در آن استخر درحال پرورش است و هزینه سخت‌افزاری هم برای ایجاد مجتمع پرورش ماهی نداشتیم، چون پمپ آبی وصل شدیم که شهرداری برای باغ پسته آورده است. اینها با توجه به امکانات موجود بوده است، یعنی من می‌خواستم احیای موات کنیم. ما با اینکه رشته کشاورزی و شیلات نداریم اما چون امکانش را داشتیم، منتظر نماندیم و اقدام کردیم. چشم‌انداز ما این است که گلخانه هیدروپونیک را آنجا داشته باشیم. آب، برق و زمین آن هم پیش‌بینی شده و با افراد مختلفی که توانایی این کار را دارند، هماهنگی شده است، چون منطقه ما پایتخت گل‌های زینتی و آپارتمانی ایران است.

فکر می‌کنید در یک افق پنج‌ساله این کارها می‌توانند به بحث درآمدزایی دانشگاه کمک کنند؟

البته رشته من فلسفه است اما در پژوهش متوجه شدم که پسته گیاهی است که سال اول یا دوم پس از کاشتش نیاز به پیوند دارد و پیوندش است که پسته می‌دهد وگرنه خودش پسته نمی‌دهد. ما ۵۰۰ اصله درخت پسته داشتیم که بالغ بر ۱۵ سال عمرشان است که اگر اینها همان سال‌های قبل پیوند خورده بودند، الان ۱٫۵ تن بار خشک می‌دادند. اینها ظرفیت دانشگاه بوده که به آنها توجه نمی‌شده. اینها را ما آبیاری قطره‌ای کردیم، هرس شد و بعد پیوند زدیم. هرس باید قبل از سال جدید بشود و پیوند در اواخر اردیبهشت اتفاق بیفتد. اینها دوسال بعد بار می‌دهند، یعنی ان‌شاءالله از مهر سال آینده شروع به محصول دادن می‌کنند. ماهی‌های ما هم حدود ۱۲ تا ۱۵ هزار قطعه هستند که برنامه‌ریزی کردیم سالی دوبار بتوانیم از آنها استفاده کنیم. به‌عبارتی سالی ۳۰ هزار قطعه ماهی برداشت کنیم. شروع کار ما به‌صورت امتحانی با پنج‌هزار قطعه بود. این تعداد باید یک‌ماه و نیم دیگر برداشت شود. من از ابتدا هیات علمی تهران شرق بودم و الان که ریاست آن را برعهده گرفتم، شناخت کافی از شرایط دارم و تا حکمم صادر شد، فورا سر اصل مطلب رفتم و عنوان کارم را احیای موات گذاشتم و در این ۱۰، ۱۵ ماه احیای پتانسیل‌های موجود را در دستورکار قرار دارم.

شما سابقه معاونت فرهنگی در این واحد دارید و خودتان هم استاد معارف هستید. رشته شما با حوزه‌های صنعتی و کشاورزی و شیلات مرتبط نیست اما شما دست به فعال‌سازی پتانسیل‌های دانشگاه در این حوزه‌ها زده‌اید؛ چگونه این اتفاق افتاد؟

بنده چندین ماه اول کارم این مشکل را داشتم که باید تیم همراه خوبی داشته باشم. به رشته مرتبط نیست. الان به واحد سیرجان خیلی افتخار می‌شود. اگر آنجا را ببینید به خاطر این است که دو دستگاه تراشکاری آنجا دارند. الان ما ۲۰ دستگاه تراشکاری داریم و وقتی شما وارد این کارگاه می‌شوید، می‌بینید که روی آن را خاک گرفته است. در این حالت شما به رشته خودتان نگاه نمی‌کنید، بلکه دغدغه شما این می‌شود که یک کاری بکنید. تمام دغدغه ما این است که امکانات موجود را راه بیندازیم. از طرفی ما در دادن حقوق کارمندان‌مان مانده‌ایم. ما با همه سختی‌هایی که داریم، از دوری راه تا فقر رشته سعی کردیم کاری کنیم که حقوق کارمندان را بدون وام و قرض بدهیم و واحد ما تنها واحدی بود که این کار را خودش انجام داد. این هم عجیب بود. دکتر جاوید در جلسه بودجه به من می‌گفتند شما چطور می‌توانید این کار را بکنید! من وقتی کارگاه صنعتی یا مجموعه آزمایشگاه زیست-فناوری و شیمی را می‌بینم که بالغ بر چند ده میلیارد امکانات آنجا سالیان سال است که خاک می‌خورد و کارشناس مربوطه می‌گوید من فقط ماهی یک‌بار این را استارت می‌کنم که نسوزد، دیگر به رشته کاری ندارد. این به درد وجدان، حمیت و احساس تکلیف شما ربط دارد. من هر روزی که آنجا می‌روم، صبح سر مزار شهدا حاضر می‌شوم و نیت عمل صالح و اخلاص می‌کنم. سعی من این است که خدای من از من راضی باشد. من که همه چیز را بلد نیستم، بنابراین سعی کردم تیمی همراه کنار خودم داشته باشم. من اوایل که ریاست واحد تهران- شرق را به عهده گرفته بودم، دیدم اساتید با دانشگاه قهر هستند، من باید اینها را آشتی می‌دادم. اینها قشر فرهیخته و متخصص بودند. وقتی این کار را کردم و آنها را به بخش اجرایی دانشگاه آوردم، توانستیم بخش‌های مختلف را فعال کنیم. من این نوید را می‌دهم که واحد تهران- شرق به‌زودی قطب صنعتی در میان واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی کشور خواهد شد. به همین خاطر ما سراغ کارگاه صنعتی رفتیم. من از آقای دکتر مشکینی و خانم دکتر ملک‌نیا، مدیرکل محترم ارتباط با صنعت دانشگاه تشکر می‌کنم که همکاری بسیار خوبی داشتند تا بتوانیم آقای مهندس صدیقیان که واحد سیرجان را راه‌اندازی کردند، در واحد خودمان داشته باشیم. ما به ایشان خانه دادیم و امکانات خوابگاهی و اینها برایشان فراهم کردیم تا مستقر شوند. الان چرخ تولید کارگاه ماشین‌افزار و تراشکاری بعد از ۲۰ سال به راه افتاد، یعنی ساخت قطعات. ما می‌توانیم مجموعه‌های مختلف کشور را به چالش دعوت کنیم که هر قطعه‌ای آنها بگویند، برایشان بسازیم.

درواقع این کار شما راه‌اندازی نیست و یک بازگشایی مجدد است.

به شکل بسیار محدود در طول قدمتش از آن استفاده برای بازدید آموزشی شده است که یعنی مثلا دانشجو بیاید ببیند اسم این دستگاه یا قطعه چیست. آن هم ترمی یکی، دو بار.

رشته‌های مربوط به کارگاه ماشین‌افزار و تراشکاری را داشتید؟

بله، اما اینکه شما بخواهید به حوزه صنعت وارد شوید و قطعات مهم را تولید کنید، کار سختی است. ما الان چند ده هزار قطعه از چند کارخانه را سفارش گرفته‌ایم. الان یک پروژه ۱۵ هزار قطعه، یک پروژه ۹ هزار قطعه، دو پروژه ۶ هزار قطعه سفارش گرفته‌ایم، درحالی که اصلا به جایی اعلام نکرده‌ایم. الان ۱۰ روز است که ما تولید را شروع کرده‌ایم. تولید فلایویل و کاسه چرخ کامیون را براساس سفارش‌هایی که گرفتیم، شروع کردیم و در اوان قرارداد چند ۱۰ هزار قطعه دیگر هم هستیم. یک قرارداد هنگفت هم داریم که اجازه بدهید تا نهایی نشده، عرض نکنم و اگر اتفاق بیفتد در مجموعه دانشگاه آزاد شگرف خواهد بود.

چند استاد درگیر فعالیت کارگاه شده‌اند؟

ما یک فراخوان دادیم و چون تابستان شروع کردیم و هنوز همه نیامده‌اند، تعداد فعلا زیاد نیست؛ مثلا ۱۰ دانشجو آمده‌اند که چهار نفر آنها خانم هستند و یکی از اینها با وجود اینکه فرزند دارد، می‌گوید من به این کار علاقه دارم یا یکی از دانشجویان با پدر و مادرش آمده بودند که انصراف دهد، من دیدم که مشکل اینها معیشتی است، دانشجو را تشویق کردم در کارگاه مشغول به کار شود و شهریه‌اش هم طبق تعرفه طرح پویش دانشجو پرداخت می‌شود. خانواده ایشان خیلی هم خوشحال شدند. از علاقه‌مندی‌های من این است که از دانشجویان خودمان تراشکاران حرفه‌ای داشته باشیم که از نیروی خارج از دانشگاه هم مستغنی شویم و دانشگاه با نیروهای خودش مشغول باشد. الان که تازه استارت خورده، ۱۰ تا ۱۵ دانشجو هستند و دو، سه استاد مشارکت کرده‌اند. آن‌طور که بنده مطلع هستم، روی هر دستگاهی سه نفر می‌تواند مشغول شود، یعنی با داشتن ۲۰ دستگاه ۶۰ نفر دانشجو می‌توانند اشتغال پیدا کنند و درآمد داشته باشند. یک سری کسری دستگاه داریم که در واحدهای دیگری که فعال نیستند، وجود دارد، یعنی آنجا اینها دارند خاک می‌خورند. به‌عنوان مثال یک دستگاه سی‌ان‌سی را از واحد دماوند به واحد خودمان داریم منتقل می‌کنیم تا به‌عنوان هاب کارگاهی استان تهران یا حتی کشور باشیم و بتوانیم محور ساخت قطعات در استان تهران باشیم.

بعد از اجرای طرح پایش دانشگاه آزاد، پژوهش‌های واحد تهران شرق روی بلایای طبیعی و بحران متمرکز شد. در این مورد چه اقداماتی انجام دادید و چند پژوهش در این حوزه داشتید؟

ما پایان‌نامه‌هایمان را سمت این حوزه سوق دادیم. تعداد دقیقش را نمی‌دانم اما همایش مشترکی را بین سازمان مدیریت بحران واحد تهران شرق و واحد اسلامشهر پیگیری می‌کنیم که تا چند ماه دیگر بتوانیم این همایش را برگزار کنیم. دنبال اسپانسر برای آن هستیم تا پژوهش‌های خوبی آنجا دریافت کنیم.

چه میزان از پژوهش‌های صورت گرفته در واحد منجر به عقد قرارداد با نهادها و سازمان‌ها شده است؟

حقیقتش را بخواهید من از سابق اطلاعات کاملی ندارم اما در ۱۰ ماهی که خودم آمدم آنقدر موضوعات متنوع داشتیم که هنوز سراغ این موضوع نرفته‌ام، ولی ما تمرکزمان روی بستن تفاهم‌نامه با شرکت‌های صنعتی هستیم. الان ما وسط کارخانه‌های صنعتی‌ایم؛ شرکت عباس‌آباد و... تقریبا شرکت و کارخانه‌ای نبوده که برای طرح دانشجوی پویش خارجی ما با آن وارد مذاکره نشده باشیم. ما در حال رسیدن به مرحله‌ای هستیم که بنده یک شعار تبلیغی برای ثبت‌نام گذاشتم که هر کس در یکی از رشته‌های صنعتی ما درس بخواند، شغل آینده‌اش تامین خواهد شد. این را هم می‌توانیم با صدای بلند بگوییم. الان نقدا در رشته‌های مختلف اطلاعیه و فراخوان داده‌ایم.

ظرفیت دانشجوی پویشی شما الان چقدر است؟

الان پنج درصد ورودی‌های جدید را باید در بودجه داشته باشیم که حدود دو هزار نفر می‌شوند.

پتانسیل پویشی‌شدن چند دانشجو در واحد تهران‌شرق فراهم است؟

فکر می‌کنم تا پایان سال حداقل به هزار نفر برسد. ما حتی با شرکت خودروسازی یا حوزه ارتباطات با جاهای مختلف صحبت کردیم. الان فعلا فراخوان داده‌ایم. در کل تابستان قراردادها را بستیم و فراخوان آنها را اعلام کردیم تا دانشجویان به آنها توجه کنند؛ حتی با مدارس غیرانتفاعی هم رایزنی کردیم که معلم‌هایشان را هم تامین کنیم که آنها هم استقبال کرده‌اند.

دانشجویان پویشی شما در چه رشته‌هایی هستند؟

بیشتر در حوزه‌های صنعتی شامل برق، الکترونیک، مکانیک خودرو تا زیست، حقوق، روانشناسی، ارتباطات، حسابداری و... تقریبا با تمام شرکت‌ها صحبت کرده و آنها به مالیست می‌دهند و قرارداد می‌بندیم، فراخوان می‌دهیم و بعد به بچه‌هایی که بخواهند معرفی‌نامه می‌دهیم بروند مستقر شوند.

ادامه در صفحه ۵

یکی از موارد مورد توجه در دانشگاه آزاد سراهای نوآوری است که تقریبا در تمام استان‌ها فعال هستند. واحد تهران‌شرق برای تشکیل سرای نوآوری اقدامی کرده است؟

پروپوزال سرای نوآوری ما به سازمان رفت، اصلاح خورد و برگشت. طرح امکان‌سنجی آن با هزینه‌ای قابل توجه هم نهایی شده است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی وسط شرکت‌های صنعتی هستیم. دنبال راه‌اندازی مجتمعی هستیم که ممکن است اتفاق نیفتد یا صفر تا صدش اتفاق بیفتد یا ۵۰ درصدش، اما پیگیر یک مجتمع کلینیک خودرویی سبز در ایران با مساحت شش تا هفت هکتار هستیم که چندین آپشن ویژه دارد؛ یعنی پیش‌بینی کردیم و طرح‌های امکان‌سنجی انجام شده، نقشه‌های آن هم کشیده شده و کاملا یک کار حساب‌شده است که در آن کلینیک خودرویی، مرکز معاینه خودرو، پمپ بنزین و CNG را خواهیم داشت و نمایندگی ایران خودرو و سایپا و مرکز اسقاط خودرو را پیش‌بینی کردیم. تمامی خدمات خودرویی از مکانیکی، جلوبندی تا کارواش و زیبایی ماشین را در نظر گرفته‌ایم و دور آن پیست اتومبیلرانی و بیمه و خدمات راهنمایی و رانندگی را راه‌اندازی می‌کنیم. چشم‌اندازمان هم این است برنامه‌ای داشته باشیم که هرکسی هر کار خودرویی در هر جای شهر دارد و نمی‌رسد به آنجا برود بتواند در این مکان ثبت درخواست کند، ما برویم خودروی او را با توجه به پتانسیل دانشجویی بیاوریم و اینجا کارهایش را انجام دهیم و دوباره به او برگردانیم. این کلینیک خودرویی ما در مراحل سازمانی است و باید امکان اجرای آن را عملیاتی کنیم. با توجه به اینکه می‌خواهیم این کلینیک خودرویی را راه‌اندازی کنیم و کارگاه صنعتی ما هم راه افتاده است و از طرف دیگر وسط شرکت‌های صنعتی هستیم، عنوان سرایی که پیشنهاد دادیم عارضه‌یابی صنعتی است. اخیرا با ستاد معاینه فنی استان تهران جلسه داشتیم تا بتوانیم قراردادی برای معاینه فنی امضا کنیم. ان‌شاءالله ما امسال این سرای نوآوری را خواهیم داشت. یک نکته دیگر از امکان‌های دانشگاه که از آن غفلت شده بود، این بود که ما مجوز مجتمع زیست‌فناوری را از سازمان گرفتیم و متوجه شدیم که یک چرخه کامل از آزمایشگاه زیست‌فناوری داریم که فکر می‌کنم یک یا نهایتا دو واحد دانشگاهی در استان تهران این چرخه را دارند و شاید چند ده میلیارد هم قیمت آنهاست که متاسفانه سال‌های سال خاک می‌خورد. ما اولا پروپوزال را نوشتیم و به سازمان رفتیم، دفاع کردیم، مجوزش را گرفتیم و متوجه شدیم در استان تهران و نه‌فقط واحد تهران شرق دانشجویان به‌شدت از نبود این مجتمع زیست‌فناوری رنج می‌برند. من مطلعم که همین الان واحد علوم پزشکی حدود هزار دانشجو دارد و با واحدهای دیگر هم شاید به چند هزار دانشجو برسد و در رشته‌های ژنتیک، میکروبیولوژی و زیست برای کار پایان ترم‌شان حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان به شرکت‌های خصوصی می‌دهند. آنجا کاری هم نمی‌کنند و بیشترش داده‌سازی است و واقعیت هم ندارد. اگر دانشگاه بتواند خودش این کار را انجام دهد و دانشجو خودش را وارد این کار کند، من فکر می‌کنم هزینه‌اش ۵ میلیون تومان خواهد بود. به این ترتیب هم یک درآمد قابل توجهی برای دانشگاه خواهد بود و هم اینکه به داد دانشجویان‌مان می‌رسیم و واقعا یک چیزی یاد می‌گیرند. ما برای اینکه از این مجتمع بتوانیم استفاده کنیم، مکان‌مان دور است، یعنی شاید دانشجویان شهر تهران این همه راه را پیش ما نیایند. ما دنبال مکان بودیم و هستیم و متوجه شدیم واحد علوم پزشکی می‌خواهد این کار را کنند اما تجهیزات ندارد، یعنی مکانی بسیار خوب و استانداردی هم در منطقه پاسداران دارد. تفاهم‌نامه‌ای با واحد علوم پزشکی نوشتیم که مکان از آنها و امکانات از ما باشد تا دانشجویان منتفع شوند. الان در مرحله نوشتن قرارداد بین بخش‌های پژوهشی و حقوقی هر دو واحد هستیم. بعد تجهیزات ما به ساختمان پاسداران منتقل خواهد شد و به دانشجویان دانشگاه آزاد و غیرآزاد دانشگاه شهر تهران فراخوان خواهیم داد تا از خدمات آنجا استفاده کنند.

واحد شهر قدس قرار است بخش اعظمی از ظرفیت سرای نوآوری دکتر قریب را در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان و استارتاپ‌های حوزه زیست‌فناوری قرار دهد. از این ظرفیت هم می‌توان بهره‌برداری کرد.

آزمایشگاه شیمی ما هم این پتانسیل را دارد و در برنامه ما هم هست که اینها را به واحد علوم پزشکی پاسداران منتقل کنیم و نکته بعد که یک نوید جداگانه این است که در واحدمان مرکز تحقیقات بتن هم داریم؛ البته هنوز مجوزهای آن را نگرفته‌ایم اما اخیرا نماینده سازمان استاندارد را در واحد داشتیم که بازدید کرد تا ما بتوانیم استاندارد رسمی حداقل یکی از این واحدهایی که عرض کردم را داشته باشیم. الان مرکز تحقیقات بتن ما رشته، استاد و امکاناتش را دارد و ما می‌توانیم بتن تولید کنیم و تاسیسات مقاومت مصالح داریم و یک بار نیز تهران شرق میزبان مسابقات تولید بتن بوده و مقام آورده و میزبان دبیرخانه‌اش هم بوده است. الان با شهرداری منطقه ما قرارداد بستیم که بتوانیم المان‌های شهری‌شان را بسازیم. به سازمان هم نامه زدیم که اگر شما می‌خواهید ۵۰۰ هزار واحد برای کارمندان و اساتید بسازید، واحد تهران شرق این آمادگی و توان ساخت المان‌های شهری مانند سنگفرش و... را دارد. دنبال این هستیم که بتوانیم استاندارد لازم را از سازمان استاندارد و از وزارت مسکن و شهرسازی بگیریم که مجموعه‌ای با استاندارد باشیم. امکان و استانداردش را داریم. امیدواریم بتوانیم حرفی در این حوزه داشته باشیم.

در حوزه جذب دانشجویان غیرایرانی چه اقداماتی داشته و چه تعداد دانشجوی غیرایرانی دارید؟

خیلی موفق نبودیم، چون منطقه ما تقریبا منطقه محرومی است و بیشتر از کشور همسایه و دوست افغانستان در واحد ما هستند. بخواهم صریح‌تر بگویم هنوز به خاطر حجم وسیع کارها فرصت نکردم سراغ این بخش بروم. البته منطقه ما خیلی ظرفیت این مساله را ندارد اما حتما پیگیر خواهیم شد. سعی می‌کنیم سمت کمپ‌هایی برویم که افغانستانی‌ها هستند و برای آنها امکانات ویژه‌ای تهیه ببینیم تا انگیزه خاصی برای حضور آنها در واحد تهران شرق شود. منطقه‌ای که ما هستیم، چون منطقه محرومی است، مدرسه غیرانتفاعی ندارد یا شاید یک مدرسه داشته باشد. واحد تهران شرق با ۵۷ هکتار زمین و ساختمان‌هایی که دارد، مدرسه سما نداشت و ما موفق شدیم مدرسه سما را راه‌اندازی کنیم. مهر امسال سال اول راه‌اندازی آن خواهد بود. اگرچه به ما می‌گفتند منطقه شما منطقه محروم است و استقبال نمی‌شود و باید آنجا برود، ولی ما اصرار کردیم و یک ساختمان بسیار شیکی آماده کردیم و حتی دیوارکشی و محوطه‌سازی‌های آن هزینه چندصدمیلیونی شد اما شهرداری منطقه تقبل کرده است. یک محیط بسیار عالی استانداردی با کلاس‌های متنوع جانبی مانند کامپیوتر، زبان و رباتیک برای مدرسه آماده کردیم؛ ضمن اینکه امکانات ورزشی و علمی دانشگاه هم در اختیار دانشجویان خواهد بود. الان برای سال اول حدود ۶۰، ۷۰ دانش‌آموز پسر را ثبت‌نام کرده‌ایم که پیش‌دبستانی و دبستانی هستند و فکر می‌کنیم سال بعد این تعداد دوبرابر خواهد شد.

پس در آن ۵۷ هکتار فقط در بحث کشاورزی متمرکز نیستید.

نه، آزمایشگاه‌ها هم هست. یک ورزشگاه با چمن مصنوعی و سالن ورزشی چندمنظوره برای کشتی، ژیمناستیک، ایروبیک، پینگ‌پنگ، فوتبال و بسکتبال داریم. مجموعه پینت‌بال داریم که هیچ واحدی در کشور ندارد. با وسایل ضایعاتی دانشگاه یک پینت‌بال استاندارد ساخته شده است، منتها گرفتن مجوزش از وزارت ورزش همگانی کار سختی بود و پنج شش سال همین‌طوری آن زمین آنجا افتاده بود. آن زمان که من معاون فرهنگی این واحد بودم، طی چند ماه ما مجوز آن را گرفتیم. الان هم پینت‌بال ما یک سال است که راه افتاده که این کار با استفاده از نیروی دانشجوهای ما هم بوده یعنی با تبلیغات خود آنها و اداره خودشان؛ ما هم یک درصدی از سود این کار را به خودشان می‌دهیم. این انگیزه‌ای شده که هر قدر بیشتر کار کنند درآمد بیشتری خواهند داشت. از آن طرف سالن آمفی‌تئاتر خوب داریم. دانشکده علوم انسانی، معماری و هنر، فنی-مهندسی، علوم پایه، ساختمان مرکزی، ساختمان انفورماتیک، کارگاه‌های ما هر کدام مجزا هستند. یک سلف‌سرویس بسیار خوبی داریم که آشپزخانه مدرنی دارد و کافه‌شاپی جوان‌پسند هم راه‌اندازی کردیم که توانست در ایام شلوغی‌های پارسال حجم رضایت دانشجویان را بالا ببرد. از آنجا که من خودم مدیرکل فرهنگی استان تهران بودم اصرار کردم در واحدهای مختلف کافی‌شاپ راه‌اندازی شود و تاکید می‌کردم که ماهیت کافی‌شاپ با بوفه فرق دارد و درآمد دانشگاه‌ها و رضایت دانشجویی را زیاد می‌کند، چون نزدیک به تیپ فکری جوان‌هاست. آن زمان ما دنبال راه‌اندازی اتاق وحشت هم بودیم و گیم‌نت هم آوردیم. واحد پردیس هم این کار را کرده. این هم درآمد خوبی برای دانشگاه دارد. دو پاتوق یا لمکده برای استراحت دانشجویان دختر و پسر به‌صورت مجزا ایجاد کردیم که در آن هم تلویزیون هست و هم مبل و بالش. آنجا فوتبال‌دستی، پینگ‌پنگ و کتابخانه هست و اخیرا هم گفتیم ایرهاکی خریداری و در اتاق قرار داده شود تا در ساعت‌های فراغت‌شان از آنها استفاده کنند. اینکه حضرت امیر می‌گویند با هر قشری با زبان خودشان صحبت کنید یا قرآن می‌فرمایند ما هیچ نبی‌ای را نفرستادیم مگر اینکه با زبان آن قوم صحبت کنند، ما هم باید با زبان این جوانان با آنها حرف بزنیم. یکی از مشکلات در همه سازمان‌ها و حوزه‌ها به نظر می‌آید که نشناختن زبان مخاطبانش باشد. ما چاره‌ای نداریم وقتی می‌خواهیم با ۱۲ هزار دانشجو شبانه‌روز سروکله بزنیم، باید زبان اینها را بلد باشیم. اگر هجمه‌ای در کشور ایجاد شود، وقتی زبان هم را بلد باشیم، می‌توانیم مشکل را حل کنیم وگرنه دو بیگانه نمی‌توانند با هم گفت‌وگو کنند.

چقدر از این امکانات در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد؟ ما در خیلی از دانشگاه‌ها امکانات ورزشی خوبی داریم که در اختیار دانشجویان قرار نمی‌گیرد. دلایل مختلفی هم دارد؛ هم به‌خاطر فرسایش و سختی تجهیز مجدد و هم به این خاطر که اصلا برنامه‌ریزی مشخصی برای این کار وجود ندارد. از این جهت سهم فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها خیلی کم است. شما خودتان سبقه معاونت فرهنگی دانشگاه را دارید و از این تیپ کارها انجام داده‌اید. هنوز همان رویکرد فرهنگی را در فضا دارید؟

من بدون دانشجو بدون کنار بچه‌ها بودن خفه می‌شوم. یک رصد هم بکنید، من را در اتاق پیدا نمی‌کنید. من آدم پشت‌میزنشین نیستم. به‌شدت کودک درون من فعال است! کل دوران معاونت فرهنگی من در ایام کرونا بوده که دانشجویی در دانشگاه نبوده است. امکانات ورزشی ما با محوطه اصلی کلاس‌های ما فاصله دارد. ما امکانات در اختیار بچه‌ها گذاشتیم مانند مسابقات فوتسال، والیبال و... که همه روز بتوانند بروند بازی کنند. من دیدم که استقبال کافی نیست. اطلاع‌رسانی هم می‌شد اما دیدم این همه جوان داریم اما از این زمین چمن استقبال نمی‌شود. دیدم به خاطر بعد مسافت است. آمدیم جشنواره‌ای راه انداختیم و یک خیابانی را به نام خیابان فرهنگ آماده کردیم که هفته‌ای یک روز در محوطه اصلی دانشگاه تمام امکانات مانند پینگ‌پنگ یا فوتبال‌دستی و بدمینتون، طناب‌کشی، مچ‌اندازی، بسکتبال و اینها را می‌آوریم و از باند هم موسیقی ورزشی پخش می‌شد. بعد از اغتشاشات سال قبل ما هر هفته این کار را کردیم و بچه‌ها را رها نکردیم. بچه‌ها هم صددرصد استقبال کردند. در این جشنواره فرهنگی هم مسئول نهاد آن وسط یک نکته اخلاقی می‌گفت و از آن طرف بچه‌های کانون‌های فرهنگی ما هم تولیدات خودشان را پخش می‌کردند. جالب است که مسابقات یا همایش‌هایی که برگزار می‌کردیم، مثلا در روز دانشجو، هر کسی وارد سالن می‌شد یک کاغذ به او می‌دادیم و یکی از جایزه‌های ما این بود که بعد از مسابقه یا دو روز بعد از مسابقه بتواند بیاید از مجموعه پینت‌بال استفاده کند. یک تیم دختر و یک تیم پسر جداگانه. در واحد تهران شرق برعکس است؛ ما اصرار می‌کنیم که بیایند بازی کنند. این همایش فرهنگی-ورزشی هر هفته در محوطه دانشگاه برگزار می‌شود؛ حتی اینکه من گفتم ایرهاکی خریداری شود، چون فکر کردم یک چیزی باز به سرگرمی‌های دانشجویی اضافه شود. چون راه ما تا تهران دور است، من متوجه شدم دانشجویی که صبح تا شب اینجاست اگر یک تایمی بین کلاس‌هایشان خالی باشد، باید بتواند در آن زمان یک کاری انجام دهد. متاسفانه قبلا بچه‌ها به قهوه‌خانه‌ها و رستوران‌های اطراف می‌رفتند. بنابراین من تلاش کردم فضای دانشگاه طوری گرم شود که دانشجو خارج از دانشگاه نرود. اولین کار هم انجام همین هماوردهای ورزشی بود که هر هفته یک روز اتفاق می‌افتد؛ مثلا این هفته شنبه برگزار می‌شود و هفته بعد یکشنبه. کار دیگر ما درباره سلف دانشگاه بود. ما پارسال غذای باکیفیت دانشجویی را ۳۵ هزار تومان می‌دادیم. غیر از آن کافی‌شاپ و لمکده را برای استراحت دانشجویان راه‌اندازی کردیم تا بتوانیم دانشجوهایمان را کاملا در محیط دانشگاه نگه داریم تا دچار آسیب‌های بیرون دانشگاه نشوند. تقریبا محال است دانشجویی بخواهد از امکانات دانشگاه استفاده کند و نتواند. منظوم هم فقط امکانات ورزشی نیست، امکانات عمرانی هم در اختیار دانشجویان است. خط قرمز من دانشجوست و به‌شدت روی رضایت دانشجویی حساس هستم و وظیفه خودم می‌دانم که بتوانم خدمات دانشجویی را به‌صورت کامل ارائه دهم.

سال تحصیلی گذشته آغاز متفاوتی داشت. شرایط برخی دانشگاه‌ها هم چندان مناسب نبود و اتفاقات تلخی افتاد. شرایط در واحد شما چگونه بود و چطور مدیریت شد؟

در ایام اغتشاش سه روز را در واحد تهران شرق شلوغی داشتیم که روز اول بالغ بر ۲۰۰ بودند، روز دوم به ۱۰۰ نفر و روز سوم به ۳۰ نفر تقلیل پیدا کردند. بنده شخصا وسط جمعیت بودم و نیروهای امنیتی چند بار به من نهیب زدند که شاید به شما آسیب برسانند اما من شخصا وظیفه خودم می‌دانستم که آنجا باشم. اتفاق روزهای اولی هم بود که مسئول شده بودم. ما در حین اغتشاشات تریبون آزاد برگزار کردیم. در همان ایام کرسی آزاداندیشی برگزار کردیم و بچه‌ها آمدند روی موضوع بحث کردند. روز ۱۶ آذر را برگزار کردیم. برای این روز گروه موسیقی سنتی حرفه‌ای از بچه‌های خودمان آوردیم، گروه علمی هم بودند و سخنران هم آقای جوانی از دانشگاه امام‌حسین بودند و درباره موضوع هم صحبت کردیم. طبیعتا با وجود دو طیف از بچه‌ها جلسه باید متشنج می‌شد اما من خودم هم بودم، جلسه متشنج هم شد، ولی از آنها خواستیم که بیایند پشت تریبون صحبت کنند و بچه‌ها هم با احترام آمدند و حرف زدند و انتقادات تندی هم کردند. من بعد جلسه از آنها تقدیر کردم، نه به‌خاطر محتوای انتقادشان، بلکه به این خاطر که این دانشجو فهمید سوای محتوای صحبت‌هایش محل انتقادش همین جاست، نه اینکه برود کف خیابان به مقدسات توهین کند. الحمدلله بعد از آن هم چندین جلسه کرسی آزاداندیشی داشتیم و دیگر تشنجی نداشتیم. برای تمام ورودی‌های جدید هم جلسات روانشناسی در موضوعات مختلف از جمله حرمت خود، بایسته‌های حضور در جامعه و... گذاشتیم. همایش ورزشی هم همان موقع برگزار کردیم. روز دختر یعنی میلاد حضرت معصومه هم من می‌خواستم در حیاط دانشگاه مراسم برگزار شود اما حراست می‌گفت که در سالن آمفی‌تئاتر برگزار شود تا مشکلی پیش نیاید. من با سالن موافق نبودم، چون در آنجا فقط یک قشر خاصی می‌آمدند. در حیاط همه می‌آیند یا دست‌کم یک نگاهی می‌اندازند. خیلی‌ها می‌ترسیدند و منتظر اتفاقی تلخ بودند اما جشنی به‌شدت جذاب اتفاق افتاد که هم سخنران علمی داشت و هم سخنران اعتقادی و هم سخنران فان؛ برنامه‌های متنوع موسیقی و هنری هم بود و یک هدیه‌مان ویژه دختران شامل گل‌سر، پاستیل و لیپ‌استیک (برای خشکی لب‌ها) بود؛ البته بعدا به گفتند موسوی به بچه‌ها ماتیک داده اما این فرق دارد. آنجا پر از دخترهایی بود که کاملا زاویه داشتند اما من بیم و هراسی ندارم و توکلم به خدا و توسلم به اهل بیت است.

امسال چگونه و با چه برنامه‌ریزی‌ای به استقبال دانشجویان می‌روید؟

برای مهر هم برنامه‌های مختلفی داریم. یکی از برنامه‌هایم هم این است که هفته‌ای سه روز هر روز در یک دانشکده کاملا میان بچه‌ها باشم. هماورد ورزشی‌مان هم هست؛ حتی روز ورودی دانشگاه ما به‌طور مفصل برنامه داریم که شامل شیرینی، شربت، موسیقی و... است و من برای اینجا به اضافه مدرسه سما نزدیک به حدود یک میلیارد تومان هزینه کردم، فقط برای اینکه کل مجموعه دانشگاه را در شأن دانشجو کنم. هفت تا ۱۰ سال بود که به هیچ‌جای واحد تهران‌شرق دست هم کشیده نشده بود اما ما تمام کلاس‌ها را رنگ و تمام درها و صندلی‌ها و میل پرده‌ها را تعمیر کرده و تمام پرده‌ها را شستیم و به هرچیزی لازم بود رسیدگی کردیم؛ از صندلی استادها تا کلیدپریزها و سرویس‌های بهداشتی. شاید هرکسی برای واحد تهران‌شرق این میزان هزینه‌کردن را ریسک بداند. من هم با اینکه می‌دانم در آذرماه شاید برای پرداخت حقوق به مشکل بخوریم اما باید یک‌بار این هزینه را انجام دهیم تا دانشگاه در شأن دانشجو باشد. وقتی که من به دانشجو احترام بگذارم، او حتی اگر دوست نداشته باشد مجاب می‌شود به من احترام بگذارد. ما تمام زیر پله‌ها را با شبرنگ‌های قشنگ طراحی و کارکردیم و پیام‌های فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی برای دانشجویان قرار دادیم. در این یک‌سال بعد از شلوغی‌های پارسال دانشجویان را رها نکردم و هفته‌ای یک‌بار در اتاقم به روی دانشجویانم باز بوده و میان اینها بوده‌ام و هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید رئیس دانشگاه را نمی‌شناسم. بعد از اغتشاشات اگر دانشجویان را رها کرده بودم، الان نمی‌توانستم انتظار داشته باشم که اغتشاش نکنند. یکی از کارهایی که کردیم و در حیطه وظایف ما هم نبود، آنقدر با شورای شهر رایزنی کردیم که دو اتوبوس ویژه گرفتیم که صبح بچه‌ها را بیاورند و غروب بچه‌ها را ببرند، چون قبلا راه ۲۰ دقیقه‌ای یک ساعت طول می‌کشید به‌ نحوی که الان کسی که باید ساعت ۷:۳۰ سر کلاس باشد، راحت‌تر از آن سر شهر به کلاس می‌رسد. بچه‌ها این خدمات را می‌بینند.

در طول گفت‌وگو به مذاکره با مجموعه‌های مختلف اشاره کردید؟ تعداد تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای منعقد شده در زمان حضور شما چقدر هستند؟ مهم‌ترین آنها با چه مجموعه‌هایی بوده است؟

ما با کمیته امداد به خاطر وظیفه اخلاقی و اعتقادی خودمان تفاهم‌نامه‌ای نوشتیم که دختران و پسران خانواده‌های مستمند و محروم منطقه، هرکدام جداگانه هفته‌ای یک‌بار بیایند و از امکانات ورزشی و پینت‌بال دانشگاه استفاده کنند و برای خانواده‌هایشان هم دوره‌های تربیت کودک یا مسائل زوجین یا مسائل حقوقی به‌صورت رایگان بگذاریم. همچنین با همکاری گروه‌های جهادی بالغ بر دو هزار افراد محروم کمیته امداد را برای بحث دندان‌پزشکی و ویزیت پزشکی و خدمات روانشناسی رایگان آوردیم داخل دانشگاه و حتی رئیس کل کمیته امداد کشور هم حاضر شد. برای امسال هم برنامه داریم این کار را تکرار کنیم. تفاهم‌نامه‌هایی که می‌فرمایید با حوزه‌های مختلف درباره دانشجویان پویشی تفاهم‌نامه نوشته‌ایم. با شهرداری برای ساخت المان‌های شهری، با کارخانه‌های مختلف برای ساخت قطعه، با ستاد معاینه فنی برای آوردن معاینه فنی در دانشگاه، حسب کارهایی که می‌کنیم با حوزه‌های مختلف قرارداد می‌بندیم. می‌خواهیم با خودروسازان و معادن کشور برای ساخت قطعه و سفارش‌گرفتن و با شهرداری تهران و سازمان مرکزی دانشگاه آزاد هم برای ساخت قطعه‌های بتنی جلو برویم.

میزان تکلیفی درآمدهای غیرشهریه‌ای برای واحد تهران‌شرق چقدر است؟

مادرآمدهای شهریه‌ای مان حدود ۹۰ میلیارد است که برای سال بعد پیش‌بینی شده است. دکتر طهرانچی گفته است اگر هر واحدی به اندازه درآمدهای شهریه‌ای‌اش، درآمد غیرشهریه‌ای داشته باشد، کل حقوق و مزایای اعضای آن دانشگاه دو برابر خواهد شد. ما چشم‌اندازمان این است که بتوانیم این کار را انجام دهیم.

این جمله را به وی منتسب کنیم، شاید توقعات بالا برود!

وی در جلسه عمومی‌شان این مطلب را گفتند. در جلسه‌ای با روسای استان تهران درباره هیات‌علمی وابسته و دستیاران آموزشی، وی این مساله را اعلام کرد و گفت این کار از تصمیمات هیات‌رئیسه بوده است. من امیدوارم این اتفاق بیفتد و فکر نمی‌کنم نشدنی باشد، حالانه در یک سال، یک زمانی اگر پارکینگ من ۳۰۰ میلیون درآمد داشت، من خیلی خوشحال می‌شدم اما الان با امکاناتی که در دانشگاه می‌بینم، توقع خودم من میلیاردی است و میلیون من را راضی نمی‌کند.

رئیس دانشگاه شاهد در پاسخ به «فرهیختگان»:

پژوهانه ۶۰۰ میلیونی برای هر استادی که مشکل صنعت را حل کند

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

سال تحصیلی جدید چند روزی است آغاز شده و دانشگاه‌ها حالا میزبان جدیدالورودها شده‌اند. در همین راستا هر دانشگاهی تلاش دارد تا بتواند خود را در حوزه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی برای سال تحصیلی جدید آماده کند. در همین راستا احمد چلداوی، رئیس دانشگاه شاهد در نشست خبری خود که روز گذشته در مرکز تحقیقات دانشگاه برگزار شد، به تشریح وضعیت این دانشگاه و همچنین برنامه‌های آن در یک سال آینده پرداخت.

او در ابتدا در پاسخ به سوال «فرهیختگان» مبنی بر راهکارهای این دانشگاه در راستای افزایش مهارت‌افزایی در دانشجویان و حرکت به سمت ارتباط با صنعت گفت: «ارتباط با صنعت جزء یکی از آیتم‌هایی است که برای آن امتیاز زیادی قائل هستیم و در پژوهانه اساتید هم آن را لحاظ می‌کنیم. ما یک پژوهانه فناورانه داریم که تا ۶۰۰ میلیون تومان را شامل می‌شود و این مبلغ در میان دانشگاه‌های کشور اگر نگوییم بی‌نظیر، اما حتما کم‌نظیر است.»

چلداوی در همین زمینه افزود: «یعنی استادی که بتواند با یک واحد صنعتی به نتیجه برسد و یک مشکل را از صنعت حل کنند مشروط به اینکه محصول تولیدی به درد صنعت خورده و باعث شود تا واحد صنعتی از رکود خارج شود، این پژوهانه به آن استاد تعلق می‌گیرد. این مبلغ یک حمایت بسیار خوب است. البته ما غیر از ارتباط با صنعت، ارتباط با جامعه را هم دنبال می‌کنیم. در همین راستا پژوهشکده مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی ارتباط خوبی با وزارت کشور دارد. در این پژوهشکده برخی آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق و... را دنبال کرده و به حل مساله آن کمک می‌کنیم.»

همچنین رئیس دانشگاه شاهد در این نشست با بیان اینکه ما قرار است بار برزمین مانده نظام آموزش عالی را بر دوش بکشیم، گفت: «یکی از موضوعات بحث اعتماد میان کارمندان است و ما نیز در همین راستا در وهله اول هشت میلیارد تومان مطالبات کارمندان را که شش ماه پرداخت نشده بود پرداخت کردیم. گام بعدی‌مان نیز بحث همسان‌سازی حقوق اساتید این دانشگاه با دیگر دانشگاه‌ها بود؛ متاسفانه حقوق استادان دانشگاه شاهد در قانون دیده نشده بود و برای حل این مشکل چهار جلسه به مجلس مراجعه کردم و بر همین اساس از سال ۱۴۰۱ همسان‌سازی حقوق استادان اجرایی شد.»

او با بیان اینکه ما حرکت تحولی را آغاز کردیم و تحقق این مساله صرفا بحث مدیریتی نیست، بلکه همراهی همگان را می‌طلبید، ادامه داد: «در این مدت کارهای عمرانی جزئی مثل سرمایش و گرمایش دانشگاه انجام و سایت دانشگاه مجدد بازطراحی شده است، همچنین ۱۵۰ کامپیوتر جدید به دانشگاه اضافه شد و در بخش پژوهشی ارقام و اعداد پژوهانه نسبت به سال ۱۴۰۱، پنج برابر افزایش یافت.»

وزارت علوم تنها مجوز جذب ۳۰ استاد را به دانشگاه شاهد داده است

رئیس دانشگاه شاهد با تاکید بر اینکه در نظر داریم تا امسال زمین جدیدی را برای تاسیس دانشکده دندانپزشکی در تهران پیدا کنیم، افزود: «مهم‌ترین برنامه ما که بخش روابط بین‌الملل می‌شود با شعار جبهه مقاومت آغاز شد؛ در این حوزه مجوزهای لازم را از وزارت بهداشت در دو بخش پزشکی بالینی و غیربالینی و بخش غیرپزشکی اخذ کردیم تا بتوانیم دانشجویان خارجی را در ۹ دانشکده پزشکی، دندانپزشکی، پرستاری، مامایی، طب ایرانی، هنر، علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی، کشاورزی و داروسازی پذیرش کنیم.»

چلداوی تصریح کرد: «خوشبختانه دانشگاه شاهد برای اولین بار توسط وزارت علوم عراق و هند مورد تایید قرار گرفت و بر همین اساس مجوز ایجاد شعب بین‌الملل را برای راه‌اندازی شعبه‌ای در بغداد گرفته‌ایم و در طی مراحل قانونی آن هستیم. البته در حوزه بین‌المللی چند میز فکر ایجاد کردیم که یکی از آنها میز آمریکای لاتین است و از تمامی سفرای بعد از انقلاب در کشورهای مختلف آمریکای لاتین دعوت کردیم و طراحی نحوه ورود دانشگاه شاهد به آمریکای لاتین را به آنها سپردیم که به نتایج خوبی رسیده‌ایم تا شاهد جذب دانشجویان آمریکای لاتین در این دانشگاه و نیز حضور فیزیکی دانشگاه شاهد در کشورهای آمریکای لاتین باشیم.»

او با بیان اینکه میز دوم، میز شبه قاره هند، پاکستان و بنگلادش خواهد بود و با توجه به عملکرد خوب این میز درحال حاضر ۲۵۰ دانشجوی هندی، پاکستانی، بنگلادشی، عراقی، لبنانی، سودانی جذب شده‌اند، گفت: «به این دانشجویان در ترم اول فقط فارسی آموزش داده می‌شود. البته برنامه ما جذب ۵۰۰ تا هزار نفر تا سال ۱۴۰۳ خواهد بود. نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره کنم، این است که بیشترین پذیرش ما در رشته‌های پزشکی، علوم فنی مهندسی، کشاورزی و برخی رشته‌های خاص علوم انسانی است.» رئیس دانشگاه شاهد بیان داشت: «هدف ما از پذیرش دانشجویان بین‌الملل به هیچ وجه اقتصادی نیست، بلکه تربیت انسان‌های شایسته، نخبه و ارزشی و ولایی است موضوع دیگری که باید به آن اشاره کنم، تعداد اساتید این دانشگاه است؛ چراکه ما ۳۳۰ استاد داریم. البته وزارت علوم میزان جذب استاد را برای این دانشگاه ۳۰ نفر اعلام کرده، وزارت بهداشت هم همین‌گونه است اما افرادی که در فراخوان دانشگاه شرکت می‌کنند زیاد هستند.» چلداوی درباره اجباری بودن پوشش چادر برای پذیرش در این دانشگاه گفت: «اینکه گفته می‌شود پوشش چادر اجباری است این حرف غلط است. در مصاحبه ذکر می‌کنیم که دختران چادری را می‌پذیریم بنابراین دختری را مجبور نمی‌کنیم چادر سر کند؛ چادر حجاب برتر است.» وی درباره تعداد دانشجویان نوورود این دانشگاه نیز گفت: «سال ۱۴۰۰، ۶۰۰ ورودی جدید داشتیم و در سال ۱۴۰۱ این رقم به ۹۰۰ نفر رسید و امسال هم پیش‌بینی ما بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر است. موضوع دیگری که باید به آن اشاره کنم حذف رشته‌های کم‌متقاضی است؛ در همین راستا دیگر پذیرش دانشجو در برخی از رشته‌ها که احساس کردیم که در آینده با استقبال روبه‌رو نمی‌شوند را نخواهیم داشت.» رئیس دانشگاه شاهد بیان داشت: «تعداد دانشجویان این دانشگاه شش هزار نفر است که سه هزار نفر دختر و سه هزار پسر هستند و همچنین هزار نفر آنها دانشجویان خانواده‌های ایثارگرند.»

ادامه از صفحه ۴